

یادبود

خاموشی در اوج شوکوفای



اسفندیار معتمدی*

● روزهای هجدهم و نوزدهم دی ماه جاری زمان غمباری برای مردم ایران بود. سانحه سقوط هواپیمای و تصادف یک اتوبوس، سبب کشته‌شدن حدود ۲۰۰ نفر از انسان‌هایی شد که جمعی از آنها از نخبگان علمی و فناوری کشور بودند و امیدهای فراوانی به وجود آنها داشتیم. یکی از این فریختگان حسن سالاری بود که با آگاهی و توان علمی و عشق به خدمت راه پیشگامانی مانند احمد آرام، احمد بیرشک، محمود بهزاد و پرویز شهریاری را در نویسنندگی، ترجمه، پژوهش و ترویج علم با دقت و سرعت ادامه می‌داد. حسن سالاری که بود؟ چه شد؟ و چه کرد؟

حسن سالاری در اول خرداد ۱۳۵۵ در شهر جاجرم خراسان شمالی به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد و از دبیرستان شریعتی جاجرم در ۱۳۷۳ دیپلم علوم تجربی گرفت. کارشناسی زیست‌شناسی را در ۱۳۷۸ از دانشگاه بوعلی سینای همدان و کارشناسی ارشد زیست‌شیمی را از دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۸۲ اخذ کرد و یادیکنده مادام‌العمر شد و به تدریس، پژوهش، ترجمه و تالیف و قبول مسئولیت‌های علمی پرداخت. حسن سالاری از همان دوران کودکی پرسشگر بود و کتاب‌خوان و به کارهای هنری و جمع‌آوری نمونه سنگ‌ها و تهیه موزه عشق می‌ورزید. این پرسشگری و عشق و علاقه هنرمندانه در همه کارهایش نمایان بود. او به آموزش‌وپرورش گرایش خاصی داشت و بر این باور بود که از راه پرورش جوانان می‌توان جامعه ایرانی را به توسعه رساند تا بتواند جایگاه خود را در جهان متحول امروز بیابد و دوباره پرچمدار فرهنگ و تمدن جهان شود. او از هم‌سنگس و از همه‌جا می‌موخت و آموخته‌های خود را از راه زبان و قلم به کودکان و جوانان کشور منتقل می‌کرد تا پایه و مایه‌ای برای پژوهشگری آنها باشد و به‌این‌رتیب به کشف ناشناخته‌ها توفیق یابند. او به تاریخ و فرهنگ و ایران توجه داشت و بر وی این باور بود که دانشمندان مانند ابن‌سینا و ابوریحان و بسیاری دیگر، حق بزرگی بر گردن ما دارند و شایسته است که ما با نوشتن از این بزرگان، آینده‌سازان را با این دانشمندان آشنا کنیم. عقیده داشت که بسیاری از دانش‌آموزان و دانشجویان ما با بزرگان علم و فرهنگ و ادبیات ما آشنا نیستند و به جایگاه ختیقی آنان پی نبرده‌اند. به باور او آشنایی با دانش‌آموزان و دانشجویان با این بزرگان و دستاوردهایشان، موجب تقویت خودباوری در نسل جوان خواهد شد. در نتیجه مشتوق آنان برای تلاش‌های بیشتر خواهد شد. البته در این زمینه راه افراط را نمی‌پیمود و از افراق در دستاوردهای آنان خودداری می‌کرد؛ چراکه می‌دانست افراق و بزرگ‌نمایی درباره دانشمندان ایرانی، آسیب‌زا خواهد بود. حسن سالاری در کمتر از ۲۰ سال به کارهای مهمی دست زد و توانست آثار ماندگاری از خود به یادگار بگذارد. او پایگاه اینترنتی جزیره دانش را راه انداخت و جمعی از نویسندگان مسائل علمی و آموزشی را برانگیخت تا مقاله‌هایی را برای کودکان، نوجوانان و جوانان بنویسند.

مدیر داخلی مجله رشد آموزش زیست‌شناسی، عضو شورای برنامه‌ریزی مجله رشد نوجوان و رشد آموزش راهنمایی، داور جشنواره کتاب‌های کودکان و نوجوانان کانون فکری و عضو وابسته مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی بود. برگزیده ده‌ها جشنواره کتاب سال دانشجویی، سه دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، سه دوره جایزه کتاب فصل و جایزه قلم برتر جشنواره کتاب‌های آموزشی بود. او سرپرست بخش آموزش یکتاپوب افراق شرق بود. حسن سالاری در عمر کوتاه خود ۳۰۰ مقاله علمی-آموزشی و بیش از ۳۰ جلد کتاب علمی-تاریخی و آموزشی نوشت. نمونه‌ای از کارهای این نویسنده و پژوهشگر عبارت‌اند از:

- مجموعه ۳۰جلدی دانشوران دیروز و امروز (ترجمه و نگارش)، محراب قلم، ۱۳۹۶-۱۳۹۴
- در کلاس درس کاشانی (نگارش زیر نظر یونس کرامتی)، انتشارات مدرسه-تهران، ۱۳۹۲
- مجموعه آشنایی با منظومه خورشیدی (ترجمه)، انتشارات مدرسه-تهران، ۱۳۹۲
- در کلاس درس خوارزمی (نگارش زیر نظر یونس کرامتی)، انتشارات مدرسه-تهران، ۱۳۹۱
- به کودکان خود کمک کنید برای رفتن به مدرسه آماده شود (ترجمه با همکاری اسفندیار معتمدی)، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۷.
- حسن سالاری همواره سیاسگزار افرادی بود که در مسیر راهش راهنما و مددکارش بودند. در آخرین دیدار که او را در مدرسه دارالفنون و هنگام گرفتن جایزه جشنواره کتاب‌های آموزشی رشد دیدم، بسیار خندان و خوشحال بود و سفارش دوست و همکار عزیزش آقای حسین دانشیار، مؤلف کتاب‌های زیست‌شناسی را کرد و گفت: «او تنهاست و دور از فرزندانش. باید بیشتر به او سر بزнім و احوالش را ببرسیم». درگذشت ناگهانی حسن سالاری را به خانواده، دوستانش و همه افرادی که مانند او به ایران و فرهنگ آن عشق می‌ورزند، تسلیت می‌گویم.
- کارشناس فیزیک و مؤلف کتاب‌های درسی

دل‌بستگی‌های یک دانش‌نامه‌نگار چیره‌دست

مروری بر فعالیت‌های نوشتاری «حسن سالاری»



علمی، فریفتگان

شد چندان که این دوستی حتی به فرزندان ما نیز سرایت کرد. برای سال‌های پیاپی (به جز وقفه‌ای دو-سه ساله به سبب سکونت او در چنچورد) دست‌کم هفته‌ای یک روز و گاه به ضرورت بیشتر در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به کار مشغول بودیم. سالاری دل‌بسته دانش‌نامه‌نگاری بود و بر خلاف

بیشتر کسانی که در این کار قلم می‌زنند، قواعد و ضوابط این کار را خیلی خوب می‌دانست. به‌جرت می‌توان گفت او نه فقط یک دانش‌نامه‌نگار چیره‌دست، بلکه پژوهشگری پرکار و پرتلاش در عرصه دانش‌نامه‌نگاری بود. صالبته این مهارت و دل‌بستگی سالاری در کنار دل‌بستگی زرف او به حوزه «ادبیات غیرداستانی با مخاطب کودک و نوجوان» کمتر به چشم می‌آمد.

همیشه بر این باور بودم که بیشتر فعالان ادبیات (داستانی و غیرداستانی) برای مخاطبان کودک و نوجوان، به جای آنکه برای «کودکان» بنویسند، «کودکانه» می‌نویسند. اما سالاری از معدود کسانی بود که به‌گمان من، عنوان «پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان» بسیار برانزده او بود. شاید یکی از کاربردی‌ترین نوشته‌های او مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های ساختاری متن غیرداستانی و اهمیت معرفی آن به دانش‌آموزان» (کتاب ماه کودک و نوجوان، آذر ۱۳۹۱) بود که من در درس روش

علم

دل‌بستگی‌های یک دانش‌نامه‌نگار چیره‌دست

مروری بر فعالیت‌های نوشتاری «حسن سالاری»

کرده بود و وقتی حتی بیش از آن را صرف آن کرد که در کنار یکدیگر این ترجمه‌ها را ویرایش (اما در بیشتر موارد بازترجمه) کنیم. تجربه سترگ سالاری در حوزه ادبیات غیرداستانی کودک و نوجوان به‌واقع فریادرس بود. قرار بر این شد که به تقلید از ناشران اروپا و آمریکای شمالی، چه در ترجمه این اثر و چه در ترجمه و حتی تالیف آثار دیگر، دایره واژگان به‌کاررفته تا حد امکان محدود باشد و همت به‌جای آنکه صرف قلم‌فرسایی شود، در راه سادگی به کار گرفته شود. این ترجمه البته با وجود این‌همه تلاش و صرف وقت ناتمام ماند. دیگر فعالیت چشمگیر سالاری، نقدهایی نسبتا پرشمار در مجله کتاب ماه علوم و فنون (و بعدها فصلنامه نقد کتاب علوم محض و کاربردی) بود که آنها نیز انصافاً نمونه‌هایی بسیار ممتاز از نقد کتاب به شمار می‌آیند. یک سال پیش در همین روزها، از سالاری خواهش کردم مراحل نگارش مقاله‌ای دانش‌نامه‌ای را که به او سفارش داده بودم با جزئیات کامل و ذکر همه تغییروتحولات ثبت کند و در اختیار من قرار دهد تا به‌عنوان نمونه‌ای واقعی از آنچه در ذهن یک نویسنده چیره‌دست رخ می‌دهد، به دانشجویان درس روش تحقیق عرضه کنم. سالاری نیز با بزرگواری این درخواست را پذیرفت و با حوصله بسیار این مراحل را ثبت کرد و برایم فرستاد. دانشجویان تاریخ علم، البته با توجه به تمایل آشکار سالاری به تاریخ علم در دهه اخیر، غالباً با آثار او آشنا بودند (با آنکه سالاری در نهایت فروتنی، عموماً دانشجویان را مخاطب خود نمی‌دانست)، اما دانشجویان نشی، دو سال اخیر پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، عملاً از تلاش‌های سالاری در حوزه نظری مقاله‌نویسی بهره بسیار می‌بردند. شگفت آنکه آخرین دیدار ما نیز به نوعی به همین مقاله ربط داشت. چندی پیش به دعوت خانه کتاب، برای انتخاب مقالاتی که شایستگی حضور در مرحله دوم دآوری کتاب سال را داشتند، به خانه کتاب رفتیم. پس از پایان کار، سالاری از من خواست تا چند کتاب درباره موضوع آن مقاله را برای او امانت بگیریم. روزی را که خبر ناگوار مرگ او را شنیدیم هرگز فراموش نخواهم کرد. آن روز نیز به همان روشنی روز نخصت در خاطرم خواهد ماند. آنچه را که شنیدم نمی‌توانستم باور کنم (و اگر راستش را بخواهید هنوز هم مرگ او را چنان‌که باید باور کرده‌ام). پس از چندساعت به یاد آوردم که باید چیزی هرچند کوتاه به یاد او بنویسم. آن مطلب کوتاه را در اختیار دوستان و آشنایان اغلب مشترک در محافل فرهنگی و علمی و نیز خبرگزاری‌های مختلف قرار دادم. سالاری عشق ایرانی و ایران‌زمین و دل‌بسته تعلیم نوباوگان این مرزوبوم بود. هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق.

تحقیق در تاریخ علم (در مقطع کارشناسی ارشد) معمولاً یک جلسه را به تدریس آن (به‌ویژه در محبت نهای من) اختصاص می‌دادم. سالاری همواره بسیاری از جدیدترین مجموعه‌های هدفمند از آثار علمی برای کودک و نوجوان را که در سراسر دنیا به زبان انگلیسی منتشر می‌شد، نه فقط می‌خواند که می‌گوید و از این میانه، آتهایی را که شایسته ترجمه می‌دید، به زیور ترجمه خویش می‌آراست. این توجه ویژه به «مجموعه آثار» به جای آثار منفرد نیز به گمان من نشئت‌گرفته از همان دل‌بستگی عمیق او به فن دانش‌نامه‌نگاری بود. درواقع سالاری عموماً مجموعه‌هایی برای ترجمه برمی‌گزید که به نوعی می‌توانست «دانش‌نامه موضوعی/مفهومی» نیز تلقی شود. در ترجمه شماری از این مجموعه‌آثار، دو دوست مشترک ما، مجید عمیق و سلیمان فرهادیان نیز که هر دو از پدیدآورندگان توانا در این عرصه به شمار می‌آیند، همکاری داشتند. ناگفته بیاسدست که برای دل‌بسته دانش‌نامه‌نگار و نگارش آثار علمی برای کودک و نوجوان، هیچ کاری خوشایندتر از پدیدآوردن (ترجمه یا تالیف) دانش‌نامه‌ای برای کودک و نوجوان نتواند بود. سالاری وقت شگفت‌انگیزی را صرف سرپرستی ترجمه دانش‌نامه‌ای برای گروه سنی زیر ۱۲ سال

نه مایوس بود، نه خسته و نه دلسرد

بازخوانی ویژگی‌ها و فعالیت‌های ترویج علمی «حسن سالاری»

چون بر این باور بود که زبان فارسی، زبان زنده و پویایی است و توانایی انتقال مفاهیم را دارد و لزومی ندارد از واژگان بیگانه استفاده کنیم اما در این کار زیاده‌روی نمی‌کرد. او همیشه تلاش می‌کرد از واژگان رایج استفاده کند و از استفاده از کلمات فارسی اما نامانوس و فراموش‌شده خودداری می‌کرد.

–با دایره واژگان دانش‌آموزان در سنین مختلف آشنا بود و هر زمانی که می‌خواست برای یک گروه سنی خاص مقاله‌ای بنویسد، اولین موضوعی که به آن توجه می‌کرد، دایره واژگان آن گروه بود. برای مثال در مقاله‌هایی که برای دانش‌آموزان ابتدایی می‌نوشت، از عبارات و اصطلاحات ثقیل و غیرقابل درکی مانند «مجمع‌الجزایر» استفاده می‌کرد؛ چراکه بر این باور بود که دانش‌آموز ابتدایی، از قبل با این اصطلاح آشنا نیست و استفاده از چنین مفهومی، ارتباط با مخاطب را دچار اخلال می‌کند.

–حسن سالاری به‌خوبی با زبان انگلیسی آشنایی داشت. همین موضوع باعث شده بود بتواند به آسانی از منابع علمی استفاده کند. خودش تعریف می‌کرد زمانی که در دانشگاه همدان دانشجوی بود، با دکتر «مرتضی عطری» (از استادان خوشنام «زیست‌شناسی») آشنا می‌شود. دکتر عطری که اشتیاق او را برای دانستن دیده بود، چیزهای بسیاری به او می‌آموزد از جمله اینکه به او توصیه می‌کند زبان انگلیسی را خوب بیاموزد. او هم مجدانه به این توصیه عمل می‌کند. تسلط او بر زبان انگلیسی موجب شده بود در مراجعه به متون علمی مشکلی نداشته باشد.

–یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار حسن سالاری آن بود که به ترجمه صرف کتاب‌های خارجی اکتفا نمی‌کرد. برای مثال اگر وجود برخی مطالب برای مخاطبان ایرانی ضرورتی نداشت، آن را حذف می‌کرد و معمولاً برای آنکه کتاب برای مخاطبان ایرانی مناسب‌تر باشد، با توجه به تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و تمدن ایران، مطالبی را به کتاب می‌افزود و به‌نوعی کتاب را از نو تالیف می‌کرد. همین افزودنی‌ها، کتاب‌های او را از دیگر کتاب‌های مشابه، متمایز می‌کرد. –او سال‌ها برای فراهم‌ساختن محتوای آموزشی سودمند و مفید برای دانش‌آموزان ایران تلاش کرد که از جمله این تلاش‌ها می‌توان به راه‌اندازی پایگاه اینترنتی جزیره دانش نام برد که آثار علمی خود و همکاریانش را در آن منتشر می‌کرد.

–در رسانه‌های مختلف کار می‌کرد و مطالبش را در قالب‌های گوناگون منتشر می‌کرد؛ مثلاً کتاب، روزنامه، مجله سایت و شبکه‌های

دفتر ایام

مروج شایسته‌علم



علی فرازمند*

● حسن سالاری، نویسنده و مترجم پرکار و اندیشمند، در حادثه‌ای غم‌بار زندگی را بدرود گفت و از میان دوستدارانش رفت. انکار دفتر رویدادها و ماجراهای غم‌بار نیمه‌ماه ۹۸ برگ مرگ این عزیز عاشق علم و گسترش آن را نیز کم داشت. نگارنده جز چندین‌بار دیدار در مناسبت‌های مختلف در آموزش و پرورش، مؤسسه و انتشارات قاطمی و یکی، دو جای دیگر سابقه همفکری یا همکاری با ایشان را نداشت. ولی ناظر فعالیت‌های بی‌بدیل و بیابان‌ناپذیر او بود و آنها را می‌ستود. علاوه بر ماهیت کارهای زیاد و متنوعی که همه در یک تلاوم ترویج علم به شمار می‌روند، انتخاب و استمرار شادروان سالاری در این کار سخت و مفید به حال جامعه مثال‌زدنی است. با توجه و مرور زندگی‌نامه مختصر ایشان در سایت جزیره دانش که خود از مؤسسانش بوده است، آسان می‌شود دید که اگر اسیر فریب جاه و جمال موفقیت‌های روزمره و دآوری دیگران شده بود، با توانایی‌ها و موقعیت‌هایی که داشت، از راه‌های مرسوم می‌توانست به نام و نالی که به‌طور مرسوم دست‌یافتنی و از جانب بسیاری ستودنی است، دست یابد. می‌توانست در همان مراکز آموزشی دولتی که با آنها همکاری داشت، تن به روزمرگی برنامه‌های جاری آنها بسپارد و نامی دیگر یابد. با دو، سه سال تحصیل رسمی بیشتر به کسوت هیئت علم می‌توان آموزش درآید و به‌عنوان استاد دانشگاه بر خود بالند یا در سراب فعالیت‌های کمک‌آموزشی مؤسساتی درغلتد که حوزه کارشان به‌اصطلاح آماده‌سازی خیل عظیم علاقه‌مندان راهبایی به دانشگاه و آموزش عالی است، به نان و نوایی با‌آوردنه برسد. این فعالیت‌ها در عرف جاری هم، بختگر بیشتری درآید و هم آسان‌تر می‌تواند رهنروان آنها را به مقصود دلخواهشان برساند؛ اما او دلیرانه افق دیگری را برای فعالیت‌های خود ترسیم کرده بود و در پی گسترش علم برای جامعه از راه‌های غیر از مجاری آموزش رسمی مدرسه و دانشگاه جانانه کار کرد. او علاوه بر کار و فعالیت‌نوشرانی دائمی در تالیف و ترجمه در سایت جزیره دانش نیز کارهای مشابه را توسعه بخشید و انبوه مخاطبان خود را در لذت فراگیری دانش از راه‌های غیر رسمی بهرهمندتر کرد. آموزش غیررسمی و خارج از چارچوب برنامه‌های آموزش و پرورش و دانشگاه قلمروی است که پویندگان واقعی آن و درست‌کاران آینده‌ای که با آگاهی از سربشت و ضرورت کار عاشقانه در این راه قدم می‌گذارند، نادرند. در دنیایی که علم تخصصی و تخصصی‌تر می‌شود، فهم آن نه‌تنها از دسترس عموم دوتر و دورتر می‌شود، بلکه اغلب خود متخصصان نیز از درک و فهم کامل حوزه‌های فعالیت یکدیگر دور می‌مانند، کار مروجان دانشمند علم، روزبه‌روز دشوارتر ولی بااهمیت‌تر می‌شود. سوت‌فاهمی که توسط گزارش‌های رسانه‌های عمومی و ژورنالیست‌ها از پیشرفت‌های علمی به جامعه انتقال داده می‌شود، کم نیست. هزینه‌ای که از آگاهی ناکافی از علم بر جامعه تحمیل می‌شود، به آسانی قابل ارزیابی نیست. تصور کنید آگاه‌نبودن یک جامعه از حداقل دانش مربوط به یک واقعیت زیست‌شناسانه (مثلاً محیط زیستی)، پزشکی (یک بیماری) یا مسئله بهداشتی هزینه‌های مادی و نگرانی‌های بی‌موردی را می‌تواند به جامعه تحمیل کند. درحالی‌که گسترش به زبان ساده و به‌طور درست و قابل فهم مسائل علمی از سوی دانشمندان آشنا به درک و نیاز عموم می‌تواند بسیاری از این هزینه‌ها و نگرانی‌ها را در سطح جامعه کاهش دهد و آن را برای رویایی درست با چنین رویدادهایی آماده‌تر کند. آموزش عمومی و غیررسمی مسائل علمی، اهمیت دوباره و بیشتری یافته است و در کنار فعالیت‌های نویسندگان و علاقه‌مندان ترویج علم که به شکل مستقل و با انگیزه شخصی با تالیف یا از راه‌های دیگر به این مسئله مهم می‌پردازند، در تعداد قابل توجهی از کشورها، در کنار آموزش رسمی، جای برنامه‌های مدون و در حال اجرای ویژه‌ای برای آموزش عمومی و غیررسمی توسعه یافته است، چراکه معلوم شده پیشرفت واقعی مستلزم جریان‌داشتن تفکر علمی در تمام سطوح یک جامعه است و آگاهی علمی گستره عقل سلیم می‌تواند از معیارهای پیشرفت یک جامعه معتدل باشد. دانشن اینکه انحصار علم و آگاهی در عالی‌ترین سطح آن، در بین سرآمدان جامعه، لزوماً نیک‌بختی پایدار جامعه را به ارمغان نمی‌آورد، نکته‌ای بسیار مهم است. شادروان سالاری از زمره آتهایی به حساب می‌آید که اهمیت آموزش علم برای جامعه را به‌خوبی دریافته، فراتر از آن تمام‌قد در زندگی پربارش در این عرصه قدم و قلم زد. انکار دست روزگار پاسخ این همه تلاش و عشق زیاد او را با کوتا‌کردن زندگی اش مکافات کرد و او را از مخاطبان بسیاری که بی‌شک از او بهره‌ها برد و دوستش می‌داشتند، جدا کرد. امیدواریم راه درست او با دیگرانی همچون او دنبال شود و مدیران علمی و فرهنگی کشور قدر کوشش‌های امثال او را دریابند و نخبگان از این دست نیز برای گسترش فعالیت‌هایشان مورد حمایت جدی قرار بگیرند.

✦ **استادزینیک دانشکده زیست‌شناسی دانشگاهتهران**